



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 15 Issue: 35

Summer 2024

Article Type: Research Article

Pages: 1-32

The Measures of Abuse of Rights in Iranian and French Civil Proceedings

Mohammad Bafahm¹ | Azizollah Fahimi² | Mahdi Hasanzadeh³

1. Ph.D. Candidate in private law at Qom University, Iran (Corresponding Author) bafahm.m@gmail.com

2. Associate Professor of Qom University, Iran

aziz.fahimi@yahoo.com

3. Associate Professor of Qom University, Iran

m.hasanzadeh@qom.ac.ir

Abstract

The prohibition of abuse of rights in civil proceedings is well established, and individuals are not permitted to abuse their rights. Consequently, the prohibition of the abuse of rights is acknowledged as a legal principle in civil proceedings. However, a significant question arises: what constitutes the measure for the abuse of rights in civil proceedings? Specifically, what use of right is deemed illicit and classified as an abuse of right? This study aims at answering this question. The findings of this research indicate that according to the provision of Article 109 and Articles 133, 139, and 515 of the Civil Procedure Code, as well as the principles of abuse of rights in civil proceedings (purpose of proceedings, public order, and the role of ethics), the use of rights for motives other than pleading for justice and self-defense is deemed an abuse of rights and is illegal in the Iranian civil proceedings. In French law, according to an old legal maxim, malice in the exercise of a right results in the abuse of a right. The French Supreme Court has leant towards the fault theory over time. Scholars have argued that a single rule cannot be considered for the abuse of rights in civil proceedings.

Keywords: *Evasion in law, fault, Legal Principles, Good Faith, Malice.*

Received: 2023/08/23 Received in revised form: 2024/05/04 Accepted: 2024/05/27 Published: 2024/06/30

DOI: 10.22034/law.2024.58101.3312

Publisher: University of Tabriz

Tabrizulaw@gmail.com



معیار و ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران و فرانسه

محمد بافهم^۱ | عزیزاله فهیمی^۲ | مهدی حسن زاده^۳

bafahm.m@gmail.com

aziz.fahimi@yahoo.com

m.hasanzadeh@qom.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه قم، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار دانشگاه قم، ایران

۳. دانشیار دانشگاه قم، ایران

چکیده

سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ممنوع است و اشخاص نمی‌توانند از حقوق خود سوءاستفاده کنند؛ از این رو، ممنوعیت سوءاستفاده از حق به‌عنوان یک اصل حقوقی در دادرسی مدنی پذیرفته شده است. اما سؤال مهمی که در این خصوص وجود دارد آن است که ضابطه و معیار سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی چیست؛ به این معنا که چه استفاده‌ای از حق، غیرمجاز و مشمول سوءاستفاده از حق خواهد بود. هدف این پژوهش، پاسخ به همین پرسش است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که با توجه به تبصره ماده ۱۰۹ و مواد ۱۳۳، ۱۳۹ و ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی و همچنین توجه به مبانی سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی (هدف دادرسی، نظم عمومی و نقش اخلاق)، اعمال حق در دادرسی مدنی ایران با انگیزه‌ای غیر از دادخواهی و دفاع از خود، سوءاستفاده از حق و غیرمجاز است. در حقوق فرانسه نیز اگرچه طبق قاعده قدیمی، سوءنیت در اعمال حق موجب سوءاستفاده از حق است، اما با گذشت زمان، دیوان عالی فرانسه به نظریه تقصیر نیز گرایش پیدا کرده و گفته شده است نمی‌توان ضابطه‌ای واحد برای سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی در نظر گرفت.

واژگان کلیدی: اصول حقوقی، تقصیر، تقلب نسبت به قانون، حسن نیت، سوءنیت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹

DOI: 10.22034/law.2024.58101.3312

Tabrizulaw@gmail.com

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

در قانون آیین دادرسی مدنی حقوق متعددی برای اصحاب دعوا در نظر گرفته شده است؛ از جمله این حقوق، حق دادخواهی و جلوه‌های آن، یعنی حق اقامه دعوا و حق شکایت از آرا و نیز حق طرح ایرادات و دفاعیات است. ممکن است این حقوق مورد سوءاستفاده قرار گیرد. در قانون فرانسه ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی به صراحت و به موجب مواد متعددی، از جمله ۱-۳۲ (در مورد حق دادخواهی)، ۵۵۹ (در مورد پژوهش خواهی)، ۵۸۱ (در مورد طرق فوق‌العاده شکایت)، ۶۲۸ (در مورد فرجام خواهی) قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه پذیرفته شده است.^۱ اما در قانون ایران، موارد اعلام ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی، به وضوح و تعدد قانون فرانسه نیست و در معدود مواد قانونی (از جمله تبصره ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی)، ممنوعیت سوءاستفاده از حق اعلام گردیده است؛ با وجود این، همان‌گونه که برخی به تفصیل گفته‌اند، باتوجه به مستندات چگونگی «الف) اصل چهارم قانون اساسی، (ب) نقش ممنوعیت سوءاستفاده از حق به‌عنوان یکی از اصول حقوقی، (ج) توجه به هدف دادرسی مدنی، (د) نظم عمومی و نیز (ه) نقش اخلاق در حقوق»، نباید در ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی تردید نمود و این ممنوعیت، منحصر به مواردی که قانون پیش‌بینی کرده است (مانند تبصره ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی) نخواهد بود، بلکه به‌عنوان یک اصل حقوقی در سرتاسر دادرسی حکومت دارد.^۲

پس از شناسایی ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی، قدم اول، شناخت معیار و ضابطه آن است؛ به این معنا که بهره‌مندی از حق تا چه میزانی و تحت چه شرایطی «مجاز» و مشمول «استفاده» از حق است و در چه شرایطی «غیرمجاز» و مشمول «سوءاستفاده» از حق. هدف این پژوهش نیز همین موضوع است. پاسخ به این سؤال تحت عنوان «ضابطه؛ معیار یا ملاک سوءاستفاده از حق»، در قالب نظریاتی بیان شده است.

۱. محمد بافهم و همکاران، «ضمانت اجرای ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران و فرانسه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۱۲۱ (۱۴۰۲)، ص ۲.

۲. محمد بافهم و همکاران، «سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران و فرانسه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۱۱۹ (۱۴۰۲)، ص ۱۵۰-۱۵۱.

به صورت کلی (نه فقط در مورد دادرسی مدنی) سه ضابطه «سوءنیت»، «تقصیر» و «غایت اجتماعی» ارائه شده است. هریک از این ضوابط، قلمرو متفاوتی را دربر می‌گیرد؛ برای مثال، چنانچه ضابطه سوءاستفاده از حق، تقصیر باشد، به صرف تقصیر شخص، عمل وی سوءاستفاده از حق و غیرمجاز تلقی می‌شود، اما اگر سوءنیت معیار سوءاستفاده از حق باشد، در این صورت، عمل تقصیرآمیز مادامی که عامدانه و با سوءنیت نباشد، سوءاستفاده از حق نیست و مجاز است؛ بر این اساس، ممکن است عمل واحدی مطابق یک ضابطه، اعمال حق و مجاز باشد و مطابق ضابطه دیگر، سوءاستفاده از حق و غیرمجاز تلقی گردد؛ از این رو، شناسایی ضابطه یا معیار سوءاستفاده از حق، واجد اهمیت بسزایی است. صرف نظر از موارد پیش گفته، آنچه ضرورت انجام پژوهش حاضر را دوچندان می‌کند، این است که در آثار حقوقی موجود در ایران در مورد ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی، مطلب قابل توجهی بیان نشده، و ضوابط ارائه شده در خصوص حقوق ماهوی و مصادیق آن (ازجمله تصرفات مربوط به همسایگان) است که در مورد همین مصادیق نیز وحدت نظر وجود ندارد و حتی به اعتقاد یکی از حقوق دانان فرانسه، معنای عمیق و گستره اعمال این نظریه به صورت دقیق مشخص نیست.^۳ از لحاظ کاربردی نیز نظر به اینکه یکی از چالش‌های مهم دادگستری ایران، اطاله دادرسی است و سوءاستفاده از حق در دادرسی نیز از مهم‌ترین علت‌های این چالش است، لذا ضروری است ابعاد مختلف اصل ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی تبیین گردد تا در حقوق ایران نیز مانند فرانسه، این اصل حقوقی برای مقابله با سوءاستفاده از حق، مورد استناد مراجع قضایی قرار گیرد؛ بر این اساس، ضرورت دارد پژوهشی مستقل در خصوص معیار یا ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ارائه شود.

با توجه به اینکه قانون‌گذار فرانسه راجع به ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی، مقررات متعددی وضع نموده است و این موضوع به‌خوبی در رویه قضایی و دکترین حقوقی آن کشور نیز نفوذ یافته است، لذا به جهت غنای حقوق فرانسه در مورد موضوع، پژوهش حاضر به صورت تطبیقی با حقوق فرانسه ارائه می‌گردد و از همین رو، در ترتیب بیان مطالب، حقوق فرانسه تقدم دارد.

۳. ژرژ ریه، قاعده اخلاقی در تعهدات مدنی، ترجمه حسنعلی درودیان، بر منهج عدل، (تهران: دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۹۳)، ص ۲۶۸.

در گام نخست، معیار یا ضوابط سوءاستفاده از حق به صورت کلی (نه فقط دادرسی مدنی) ارائه می‌گردد، سپس ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی بررسی می‌شود.

۱.۱. معیارهای سوءاستفاده از حق به صورت کلی

در مورد معیار تحقق سوءاستفاده از حق (به صورت کلی و در مورد هر حقی)، سه ضابطه یا معیار از سوی حقوق دانان ارائه شده است. در ادامه، هریک از آنها تبیین می‌گردد.

۱.۱.۱. تقصیر^۴

مطابق این نظریه که مبتنی بر ماده ۱۲۴۰ (۱۳۸۲ سابق) قانون مدنی فرانسه است، «تقصیر» ملاک و مبنای تحقق سوءاستفاده از حق است؛^۵ به این معنا که سوءاستفاده از حق زمانی تحقق می‌یابد که صاحب حق عمداً یا سهواً مرتکب رفتاری شود که یک فرد عادی و محتاط مرتکب آن نمی‌شود؛ برای مثال، دیوان عالی فرانسه تجدیدنظرخواهی‌ای که هیچ شانس برای موفقیت ندارد سوءاستفاده از حق تلقی کرده است.^۶ در حقوق ایران نیز به نظر یکی از استادان حقوق، مفاد ماده ۱۳۲ قانون مدنی، در زمینه روابط همسایگان که محل مرسوم طرح مسئله سوءاستفاده از حق است، نظریه تقصیر را تأیید می‌کند.^۷ شرط «علت موجه» در ماده ۱۰۳۶ قانون مدنی نیز به گونه‌ای دیگر معیار پیش گفته را تأیید می‌کند.^۸

این نظریه بیشتر بر «عمل» فرد- از این لحاظ که بایستی مطابق عمل انسان متعارف باشد- تأکید دارد و «انگیزه» فرد (سوءنیت و قصد اضرار) در تحقق یا عدم تحقق

4. Fault.

5. Gabriel Marty et Pierre Raynaud, *Droit Civil*, (Paris: Siery, 1962), n° 417; Ambroise Colin et Henri Capitan, *Traité de droit civil*, Tome 2, (Paris: Dalloz, 1953), n° 195.

به نقل از: حمید بهرامی احمدی، سوءاستفاده از حق، مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی، (تهران: مؤسسه اطلاعات، چ ۳، ۱۳۷۷)، ص ۱۰۵.

6. Cour de Cassation, Civ. 2e, 4 Mai 2000, n° 95-21.567, JCP 2000. II. 10356, note Garé.

۷. ناصر کاتوزیان، مسئولیت مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۱، (تهران: دانشگاه تهران، چ ۱۱، ۱۳۹۱)، ص ۴۲۷-۴۲۹؛ ناصر کاتوزیان، «سوءاستفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴ (۱۳۵۸)، ص ۱۱۱-۱۱۲؛ همچنین برخی از اصطلاح‌بی‌احتیاطی استفاده کرده‌اند. نک: شهیدی، مهدی، «تجاوز از حق»، تحقیقات حقوقی، ش ۳۳ و

۳۴ (۱۳۸۰)، ص ۵۷.

۸. ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۱۱۲-۱۱۳.

سوءاستفاده از حق، موثر نیست.^۹ بنابراین، یکی از نتایج پذیرش این نظریه این است که حتی اگر شخصی با حسن نیت و بدون قصد اضرار به دیگری و مثلاً به دلیل جهل وی به قانون و اینکه صرفاً تصور می‌کرد ذی‌حق است یا تصور می‌کرد بعداً دلیل تحصیل خواهد کرد، اقدام به اقامه دعوا یا شکایت از رأیی نماید، ممکن است دعوی چنین شخصی، سوءاستفاده از حق تشخیص داده شود؛ زیرا گفته شد، توجه و تمرکز نظریه تقصیر بر عمل فرد است. فرد متعارف، بدون آگاهی به قوانین و بدون داشتن دلیل، اقدام به اقامه دعوا نمی‌کند؛ در نتیجه حتی اگر انگیزه وی دادخواهی باشد، دعوی او سوءاستفاده از حق خواهد بود؛ بنابراین، مطابق این نظریه، دعوی واهی اعم از آنکه خواهان به محق بودن خود آگاه یا ناآگاه باشد، سوءاستفاده از حق خواهد بود.

۲.۱. سوء نیت یا قصد اضرار^{۱۰}

طرف‌داران این نظر، سوءاستفاده از حق را به این دلیل قابل مجازات می‌دانند که به اصول اخلاقی لطمه می‌زند؛ به اعتقاد پیروان این نظریه، در سوءاستفاده از حق، تعارض میان حق مثبت متعلق به شخص و وظیفه اخلاقی او مطرح است. شخص ذی‌حق با استفاده از حق خود، در انجام وظیفه اخلاقی خود کوتاهی می‌کند.^{۱۱} از آنجا که رعایت اخلاق در اعمال حقوق لازم و ضروری است، لذا سوءاستفاده از حق، ممنوع بوده، از این رو معیار آن، قصد اضرار است^{۱۲}؛ به این معنا که «اعمال حق صرفاً با انگیزه ضرر به غیر صورت پذیرفته شود»^{۱۳}؛ برای مثال، خواهان با داشتن امکان اقدام در برابر چندین دادگاه جهت مطالبه حق خویش، تنها به منظور وارد آوردن شدیدترین زیان به خواننده، دادگاهی را که کمتر از همه برای وی سهل‌الوصول باشد، برمی‌گزیند.^{۱۴} برخی حقوق‌دانان ایران نیز در تعریف

۹. حمید بهرامی احمدی، پیشین، ص ۱۰۵.

10. Intention de Nuire.

11. Savatier, René, *Des Effets et de la Sanction du Devoir Moral en Droit Positif Français et Devant la Jurisprudence*, Thèse Pour le Doctorat en Sciences Juridiques, Poitiers Université, 1916, p. 23.

۱۲. ژرژ ریبر، پیشین، ص ۲۶۸.

13. Jean Dabin, *Le Droit Subjectif*, (Paris: Dalloz, 1952), p. 293 et Après Cela;

به نقل از: حمید بهرامی احمدی، پیشین، ص ۱۰۹.

۱۴. ژرژ ریبر، پیشین، ص ۲۷۸-۲۷۹.

سوءاستفاده از حق، قید «قصد اضرار» را به کار برده‌اند و در مقام تعریف سوءاستفاده از حق چنین تصریح کرده‌اند: «اضرار به غیر، عامداً ضمن اعمال حقی از حقوق خصوصی مانند آن که صدای رادیو را زیاده از اندازه بلند کند به قصد آزار همسایه»^{۱۵}؛ به این ترتیب، طبق این نظر، ضابطه تحقق سوءاستفاده از حق، قصد اضرار است.

با توجه به اینکه مطابق این نظریه، ملاک تحقق سوءاستفاده از حق، قصد و انگیزه فرد است؛ یکی از نتایج پذیرش این نظریه آن است که سوءاستفاده از حق، مختص مواردی نیست که فرد در ماهیت موضوع دعوا حقی نداشته باشد، بلکه شامل مواردی که فرد، واجد حق است نیز می‌باشد؛ به این صورت که شخصی واقعاً در ماهیت موضوع دعوا دارای حق باشد، مثلاً از فرد دیگری طلبکار باشد. اگر چنین شخصی، نه به قصد رسیدن به این حق و طلب خود، بلکه به قصد اضرار به شخص دیگری (مثلاً خدشه به آبروی وی) اقدام به اقامه دعوا نماید، عمل وی سوءاستفاده از حق خواهد بود؛ چراکه مطابق این نظریه، ضابطه تحقق سوءاستفاده از حق، به «قصد و انگیزه» شخص در مورد استفاده از حق بازمی‌گردد.

۳.۱. غایت و هدف اجتماعی حق^{۱۶}

بر طبق این ضابطه، حق تا آنجا محترم است که با مبانی اجتماعی اعطای آن سازگار باشد^{۱۷}؛ به عبارت دیگر، هر حق بر اساس هدفی به وجود آمده و باید به سمتی حرکت کند که برای آن ایجاد شده است؛ بنابراین، «عمل سوءاستفاده، عملی است که مغایر با روح و هدف آن حق است» و بر همین اساس گفته شده است: «حقوق برای یک مأموریت اعطا می‌شود. اگر به‌طور ناپسند اعمال شود، از هدف خود منحرف شده است»^{۱۸}؛ برای مثال، دیوان عالی فرانسه در رأی مورخ ۲۲ مارس ۱۹۵۳ اعتصاب‌هایی را که با هدف سیاسی برگزار شد، سوءاستفاده از حق محسوب کرد. در برخی از قوانین ایران نیز از نظریه غایت

۱۵. محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی، ج ۳، (تهران: گنج دانش، چ ۱، ۱۳۷۸)، ص ۲۲۰۸.

16. Détournement du Droit de Ses Fonctions Sociales.

۱۷. غلامرضا حاجی‌نوری، «بازگشت اعتدال به نظریه سوء استفاده از حق»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۱۱ (۱۳۹۴)، ص ۱۴۹.

18. François Laurent, *Principes de Droit Civil Français*, (Paris: Bruylant-Christophe, 3ème Édition, 1874), p. 189.

اجتماعی حق پیروی شده است؛ از جمله اصل چهارم قانون اساسی که می‌گوید: «هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به ... منافع عمومی قرار دهد». در قانون مدنی ایران نیز موادی وجود دارد که نشان‌دهندهٔ توجه به این معیار است؛ از جمله مواد ۱۱۸۴ و ۱۱۹۱ و شرط مصلحت در تبصرهٔ مادهٔ ۱۰۴۰ و مادهٔ ۱۰۴۳ قانون مدنی که بر مبنای ضابطهٔ غایت اجتماعی حق استوار است.^{۱۹}

در تطبیق این نظریه در دادرسی مدنی می‌توان گفت در صورت پذیرش این نظریه، برای تشخیص سوءاستفاده از حق در دادرسی، بایستی مشخص شود هدف از دادرسی و حقوقی که در جریان دادرسی به افراد اعطا شده چیست، سپس به‌کارگیری این حقوق، خارج از این هدف، سوءاستفاده از حق خواهد بود.

در مقام مقایسهٔ این نظریه با سایر نظریات باید گفت: به اعتقاد ژوسران، معیارهای دیگر (قصد اضرار و تقصیر)، هرکدام بخشی از حقیقت را شامل می‌شوند و معیارهای قبلی فقط باعث شد که یک جنبه یا جنبه‌های خاصی از نظریهٔ سوءاستفاده درک شود.^{۲۰} درحالی که در نظر ژوسران، محور اصلی توجه و استدلال این است که استفاده از حق، منطبق با غایت و هدف نهایی آن است یا نه، و مسئلهٔ غایت و جهت مشروع با توجه به این امر در نظر گرفته می‌شود، زیرا «روح» و «غایت نهایی قانون» عاملی است که به‌وسیلهٔ آن می‌توان مشروعیت یا عدم مشروعیت اعمال حق را تشخیص داد. در هر حال، وقتی غایت و هدف اجتماعی حقوق در نظر گرفته می‌شود، دیگر موضوع در مرحلهٔ قصد اضرار باقی نمی‌ماند و حتی در مرحلهٔ تقصیر نیز متوقف نمی‌شود، بلکه حتی ممکن است کسی که حق خود را اعمال می‌کند در اعمال حق، قصد اضرار نداشته باشد و مانند یک انسان عاقل محتاط عمل کند، ولی به‌علت آنکه نتیجهٔ حاصله از عمل او مغایر هدف اجتماعی حق است، از مصادیق سوءاستفاده از حق محسوب گردد^{۲۱}، به این ترتیب، برخلاف نظریهٔ قصد اضرار که معیاری ذهنی است، در نظریهٔ غایت اجتماعی، ملاک، نتیجه و عمل فرد است و اینکه نتیجه و عمل

۱۹. حمید بهرامی احمدی، پیشین، ص ۲۰۹ و ۲۱۰.

20. Louis Josseland, *De L'esprit des Droits et de Leur Relativité: Théorie Dite de L'abus des Droits*, (Paris: Dalloz, 2ème Édition, 1939), p. 394.

۲۱. حمید بهرامی احمدی، پیشین، ص ۱۱۳.

برخلاف غایت حق باشد، سوءاستفاده از حق شمرده می‌شود.

۴.۱. نظریه ترکیبی

به اعتقاد حقوق دانان معاصر فرانسه، در خصوص سوءاستفاده از حق (به صورت کلی) از نظریه واحدی پیروی نشده و «مسلم است که در راه‌حل‌های اتخاذ شده وحدتی وجود ندارد. سوءاستفاده گاهی (برای مثال، در مسائل مربوط به املاک) بر اساس قصد اضرار است. در موارد دیگر (مانند سوءاستفاده از حق اکثریت شرکا در شرکت‌های تجاری)، ملاک، سوءاستفاده از هدف و عملکرد حق است. در مواردی دیگر نیز رفتار غیرمعارف (تقصیر ساده) ملاک است»^{۲۲}. در واقع مراجع قضایی، بسته به نوع حقوق اعمال شده، سوءاستفاده را متفاوت توصیف می‌کنند و این تنوع معیارها می‌تواند تصور عدم وحدت را ایجاد کند^{۲۳}. اما به صورت کلی می‌توان گفت در اغلب موارد، برای ایجاد مسئولیت ناشی از اعمال حق، قصد اضرار (معیار اصلی سوءاستفاده) لازم نیست، بلکه برای ایجاد مسئولیت، یک تقصیر ساده کافی است^{۲۴}.

در حقوق ایران نیز به شرحی که گذشت، در مواد قانونی مختلف از جمله مواد ۳۲، ۱۱۸۴، ۱۱۹۱ و ۱۰۴۳ قانون مدنی و اصل چهارم قانون اساسی و همچنین از سوی حقوق دانان، هر سه ضابطه قصد اضرار، تقصیر و غایت اجتماعی حق، قابل استنباط است و هریک از نظریات متکی به استدلال حقوقی است و از سوی حقوق دانان برجسته‌ای مطرح شده است.

۲. معیار سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی

در قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه که سوءاستفاده از حق ممنوع اعلام شده، تعریف یا ملاکی از آن ارائه نگردیده است. در قانون آیین دادرسی مدنی ایران ابهام کمتری وجود دارد؛ به این صورت که در موارد جزئی، بدون اشاره به سوءاستفاده از حق، مصادیقی از آن بیان شده است. آنچه مسلم است بین نتیجه دعوا یا اقدام (اعم از رد یا پذیرش آن) به تحقق

22. Henri Capitant, *Sur L'abus des Droits*, (Paris: RTD Civ, 1928), p. 375. Citée in: Loïc Cadet et Philippe leTourneau, *Abus de Droit*, (Paris: Dalloz, 2015), n° 28

23. Loïc Cadet et Philippe le Tourneau, *Ibid*, n° 3.

24. *Ibid*, n° 4.

یا عدم تحقق سوءاستفاده از حق، ملازمه و رابطه حتمی و تخلف‌ناپذیر وجود ندارد؛ با این توضیح که صرف صدور حکم به نفع شخصی، مانع از تحقق سوءاستفاده از حق نیست. در فرانسه پیش از سال ۱۹۹۵ برای تحقق سوءاستفاده از حق (خواه در مورد خواهان یا خوانده) لازم بود دعوا یا دفاع با شکست مواجه شود و حتی اگر پیروزی به صورت جزئی بود، سوءاستفاده منتفی می‌شد.^{۲۵} اما دیوان عالی فرانسه در سال ۱۹۹۵، این رویه را تغییر داد و استدلال کرد «ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی (ماده ۱۲۴۰ فعلی) مستثنی نمی‌کند که دادگاه تجدیدنظر یکی از طرفین درخواست یا دفاعی را که در مرحله بدوی تأیید شده است به دلیل سوءاستفاده، محکوم کند»^{۲۶}. با این حال، دیوان عالی فرانسه فقط در شرایط خاص که تعیین آنها به عهده قضات است، این امکان را برای قضات دادگاه فراهم می‌داند.^{۲۷}

از سوی دیگر، صرف اینکه خواهان در دعوی خود شکست بخورد یا چنانچه خوانده محکوم شود الزاماً نمی‌توان آن را سوءاستفاده از حق تلقی کرد.^{۲۸} به این ترتیب، اگر تجدیدنظرخواه همان استدلال‌هایی را مطرح کند که قبلاً در برابر دادگاه بدوی مطرح نموده و دادگاه آن را رد کرده است، به خودی خود به معنای سوءاستفاده از حق تجدیدنظرخواهی نیست.^{۲۹} حتی فراتر از این، صرف رد درخواست موجب تحقق سوءاستفاده از حق نیست و گفته شده است که حتی صرف ورود خسارت نیز الزاماً موجب تحقق سوءاستفاده از حق نخواهد بود؛ به این معنا که چنانچه دعوی حقوقی بی‌اساس تشخیص داده شود، قضات نمی‌توانند بدون توجه به این موضوع و صرفاً با ذکر این نکته که اقدام خواهان موجب ضرر او شده است (مشکلات تجاری ناشی از اختلاف، نگرانی‌ها، هزینه‌ها و غیره)، وی را به

25. Cour de Cassation, Civ. Ire, 14 oct. 1964, Bull. Civ. I, n° 448. – Com. 10 Févr. 1965, Bull. Civ. III, n° 108. – Civ. 2e, 11 Mars 1987, n° 85-16.815, Bull. Civ. II, n° 66.

26. Cour de Cassation, Civ. Ire, 7 Nov. 1995, n° 92-10.053, Bull. Civ. I, n° 388. – Com. 20 Mai 2014, n° 13-14.933: “Le Fait Qu’une Partie a Obtenu Gain de Cause en Première Instance ne Fait Pas Nécessairement Obstacle à ce Que la Jurisdiction du Second Degré Retienne à Son Encontre un Abus du Droit D’agir en Justice”.

27. Cour de Cassation, Civ. Ire, 20 Mars 2013, n° 11-27.285, Bull. Civ. I, n° 42: Circonstances Particulières Spécifiées, en L’occurrence Une “Véritable Machination” Développée par L’arrêt.

28. Cour de Cassation, 2e, 24 Juin 1987, n° 84-15.173, Bull. Civ. II, n° 137. – Civ. Ire, 10 Juill. 2014, n° 13-21.049: “Motifs Impropres à Caractériser une Faute de X... de Nature à Révéler un Abus de Droit Dans L’exercice D’une Voie de Recours”.

29. Cour de Cassation, Civ. 3e, 16 Janv. 1991, n° 89-13.236, Bull. Civ. III, n° 26 ; D. 1991. Somm. 323, obs. Aubert.

سوءاستفاده از حق محکوم کنند^{۳۰}. بلکه شرایط خاصی وجود دارد که اقدام، به سوءاستفاده از حق دادخواهی تبدیل می‌شود و تعیین این شرایط به‌عهدۀ قاضی پرونده است^{۳۱}. برای مثال، دیوان عالی فرانسه حکم صادره از سوی دادگاه بدوی را که به‌موجب آن یک شرکت را به جهت سوءاستفاده از حق، به پرداخت جریمه مدنی محکوم کرده بود، به لحاظ اینکه علت سوءاستفاده از حق تلقی شدن عمل شرکت مشخص نشده بود، نقض کرده است^{۳۲}. به عبارت دیگر، سوءاستفاده از حق دادخواهی قابل تمایز است^{۳۳}؛ این کنترل ضروری است، زیرا در بیشتر موارد، خواننده برای جبران هزینه‌های غیرقابل جبران، سوءاستفاده را به طرف مقابل خود نسبت می‌دهد. در همین راستا، بسیاری از احکام به دلیل فقدان مبنای حقوقی و اکتفا کردن دادگاه‌ها به فرمول‌های کلیشه‌ای از قبیل «اقدام سوءاستفاده‌آمیز»، «درخواست غیرموجه»، «مقاومت بیجا»، «درخواست مبتنی بر هیچ مبنای عینی»، «تجدیدنظر سوءاستفاده‌آمیز» و غیره، از سوی دیوان عالی فرانسه نقض شده است^{۳۴}.

در ادامه، معیارهایی که در مورد سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی قابل طرح است، بررسی شده، اعلام می‌شود کدام‌یک از این معیارها مورد پذیرش حقوق فرانسه و ایران قرار گرفته است.

۱.۲. تقصیر

شعبه شکایت‌ها^{۳۵} (سابق) و شعبه کیفری^{۳۶} دیوان عالی فرانسه در برخی آرای خود، محکومیت اصحاب دعوا را درحالی تأیید کرده‌اند که اقدامات آنها ناشی از تقصیر ساده^{۳۷}

30. Cour de Cassation, Soc. 1er Déc. 1950, Bull. Civ. III, n° 910. – Com. 11 Févr. 1963, Bull. Civ. III, n° 92. Civ. 2e, 8 oct. 1970, D. 1971. Somm. 31

31. Cour de Cassation, Civ. 2e, 5 Févr. 2015, n° 14-11.169

32. Cour de Cassation, Civ. 1re, 5 Déc. 2006, n° 05-21.557, PIBD 2007. III. 95.

33. L'abus est Détachable du Droit D'action: Cour de Cassation, – Civ. 1re, 25 Févr. 1986, n° 84-14.208, Bull. Civ. I, n° 38; JCP 1987. II. 20776, note Remery. – Civ. 3e, 19 Févr. 2003, n° 01-13.429, RJDA 2003, n° 558).

34. Cour de Cassation, Civ. 6 nov. 1946, D. 1947. 49. – Com. 29 Mai 1967, JCP 1967. II. 15205, note Jack-Mayer. – Com. 15 Mai 2007, n° 06-11.583, PIBD 2007. III. 473. – Civ. 3e, 8 Oct. 2008, n° 07-14.396, Bull. Civ. III, n° 148.

35. Chambre Civile (Civ).

36. Chambre Criminelle (Crim).

37. Simple Faute.

بوده است.^{۳۸} پذیرش ضابطه تقصیر ساده به عنوان ملاک تحقق سوءاستفاده از حق به دو شکل است:

الف) به صورت غیرصریح، رویه قضایی با استفاده از عبارت «اشتباه فاحش معادل تقلب»، عملاً اقداماتی را که صرفاً بی احتیاطی یا اطلاع دهنده است، ممنوع می کند. مسلماً بیشتر آرای شعب مدنی دیوان عالی فرانسه از ضابطه سنتی پیش گفته پیروی می کند، اما اغلب کوچکترین بی احتیاطی به عنوان عمل ایذایی در نظر گرفته می شود که حکم به جبران ضرر و زیان را توجیه می نماید^{۳۹}؛ برای مثال روش های اجرای حکم، توقیف طولانی مدت تضمین بدهکار بدون توجیه واقعی یا برای بدهی کم اهمیت، سوءاستفاده از حق است.^{۴۰}

ب) به صورت صریح، در دوره معاصر، رویه قضایی برای تحقق سوءاستفاده از حق، بیشتر به یک تقصیر ساده تحت عنوان «سبب قابل سرزنش»^{۴۱} اکتفا می کند.^{۴۲} شعب مدنی دیوان عالی فرانسه برای رفع تمام مسئولیت، به این نکته اشاره دارد که حتی یک تقصیر (از هر نوع) هم احراز نشده است^{۴۳} و قاضی هرگاه تقصیر عمدی یا غیرعمدی از طرف دعوا را احراز کند، حکم به جبران ضرر و زیان را موجه می داند. تنها تفاوت جزئی در نحوه ارزیابی، این است که آیا طرف دعوا مقصر بوده است یا خیر و از این نظر، دادگاه ها ممکن است در پذیرش وجود طبقه بندی سنتی سختگیرانه تر عمل کنند.^{۴۴}

در حقوق ایران نیز همان گونه که اشاره شد، برخی در مورد کلیت سوءاستفاده از حق از معیار تقصیر بهره برده اند.^{۴۵} همچنین برخی دیگر در خصوص دعوی واهی موضوع ماده

38. Cour de Cassation: Chambre des Requetes (Rec), 14 Dec. 1903, S. 1905. 1. 223; Rec., 23 Janv. 1912, S. 1912. 1. 316; Rec., 21 Juin 1926, S. 1926. 1. 294; Chambre Criminelle (Crim), 19 Dec. 1930, Gaz. Pal., 1931. 1. 103; crim., 18 fév. 1932, motifs, Gaz. Pal., 1932. 1. 629.

39. Henri Mazeaud, Léon Mazeaud et André Tunc, *Traité Théorique et Pratique de la Responsabilité Civile*, (Paris: Montchrestien, 1965), p. 591.

40. Cour de Cassation: Soc., 23 Mai 1950, Gaz. Pal., 1950. 2. 133; Civ., 2 Fév. 1956, Bull. Cass., 1956. II, p. 65; Com. 13 Mai 1958, Bull. Cass., 1958. III, p. 153; Com., 21 Avril 1959, Bull. Cass., 1959. III, p. 162; Civ., 28 Mars 1960, Gai. Pal., 1960. 2. 13: Qui ne Relève Même Plus Expressément L'existence D'une Faute.

41. Légèreté Blâtable.

42. Gérard Cornu et Jean Foyer, *Procédure Civile*, (Paris: PUF, 1996), p. 75.

43. Cour de Cassation, Civ, 1er Août 1950, S. 1951. 1. 100.

44. Henry Solus et Roger Perrot, *Droit Judiciaire Prive*, Tome I, (Paris: Sirey, 1961), p. 115-116.

۴۵. ناصر کاتوزیان، *الزامهای خارج از قرارداد*، ص ۴۲۷-۴۲۹؛ ناصر کاتوزیان، «سوءاستفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق»، ص

۱۱۱-۱۱۲؛ همچنین برخی از اصطلاح بی احتیاطی استفاده کرده اند، نک: شهیدی، مهدی، پیشین، ص ۵۷.

۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی و جبران خسارت ناشی از آن معتقدند از آنجا که تقصیر یکی از ارکان مسئولیت مدنی است و همچنین لزوم جلوگیری از دلسرد شدن اشخاص نسبت به تظلم‌خواهی و احقاق حق، دلالت بر این دارد که هم برای صدور قرار تأمین و هم برای جبران خسارت خوانده ناشی از این دعوا، وجود تقصیر، رکن ضروری است.^{۴۶} با وجود این، با توجه به استدلال‌هایی که در بند بعد ذکر خواهد شد، نمی‌توان ضابطه تقصیر را در مورد سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی پذیرفت.

۲.۲. حسن نیت

با اینکه در تعدادی از آرای قضایی فرانسه (به شرحی که گفته شد)، تقصیر ملاک سوءاستفاده از حق در دادرسی تلقی شده است، با این همه، مراجع قضایی فرانسه در آرای متعددی در مورد ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی، قاعده سنتی و معروف زیر را معرفی می‌کنند:

“L'exercice D'une Action en Justice, de Même que la Défense à Une Telle Action, Constitue en Principe un Droit qui ne Dégénère en Abus Pouvant Donner Lieu à Dommages et Intérêts Qu'en cas de Malice, Mauvaise foi ou Erreur Grossière Équipollente au Dol.”

«اعمال حق دادخواهی در دادگستری و نیز دفاع از چنین اقدامی، اصولاً حقی را تشکیل می‌دهد که به سوءاستفاده از حق منجر به ضرر و زیان تبدیل نمی‌شود، مگر در صورتی که این اقدام، ایذایی (بدخواهانه) ناشی از سوءنیت یا بر اساس اشتباه فاحشی معادل تقلب باشد»^{۴۷}.

به این ترتیب، مطابق این قاعده سنتی و قدیمی، «سوءنیت»^{۴۸}، «قصد ایذا»^{۴۹} و «اشتباه فاحش معادل تقلب»^{۵۰} ملاک تحقق سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی است. در ادامه،

۴۶. احسان بهرامی و مصطفی‌السان، «جایگاه تقصیر و سوءنیت در مطالبه خسارات ناشی از دعوای واهی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا»، حقوقی دادگستری، ش ۱۳۲ (۱۴۰۲)، ص ۵۹-۷۰.

47. Cour D'appel de Lyon, 3ème Chambre A - 19 Janvier 2023 - n° 20/00579.

48. Mauvaise Foi.

49. Attitude Malicieuse.

50. Erreur Grossière Équipollente au Dol.

معنای هر یک از این اصلاحات تبیین می‌شود:

الف) سوءنیت (Mauvaise Foi)، متضاد حسن نیت (Bonne Foi) است. یکی از معانی ذکر شده برای حسن نیت نیز فقدان سوءنیت^{۵۱} است.^{۵۲} اگر حسن نیت به معنای «درستی یا صداقت»^{۵۳} «راستگویی و وفاداری»^{۵۴} و در مقابل تقلب و تدلیس باشد، به این ترتیب سوءنیت به معنای «دروغ، تقلب، تدلیس، عمل غیرمنصفانه و اغفال و خیانت» و همچنین «رفتاری ارادی و غیروفادارانه برای غافلگیری دیگری»^{۵۵} است. سوءنیت در مواد ۲۲۰، ۴۳۵، ۴۸۸، ۷۳۰-۵، ۸۰۰، ۱۳۰۳-۴، ۱۲۳۱-۶، ۱۳۵۲-۲، ۱۳۵۲-۷، ۱۶۳۵، ۱۸۷۳-۳، ۲۲۵۴ و ۲۲۲۲ قانون مدنی فرانسه منعکس شده است.

در آرای زیر، بر اساس سوءنیت، اقدام خواهان در دادرسی مدنی، سوءاستفاده تلقی شده است:

- اقامه دعوا صرفاً از روی سوءنیت و بدون منفعت مشروع انجام شده است.^{۵۶}
- اقامه دعوایی که بدون دلیل متقن و بیش از بیست و پنج سال پس از واقعه انجام شده است.^{۵۷}
- خوانده برای دومین بار در یک سال به دلایل مشابه احضار شد و این موضوع تمایل خواهان به اخلال در فعالیت رقیب را آشکار کرد.^{۵۸}

51. Absence de Mauvaise Volonté.

52. Gérard Cornu et Henri Capitant, *Vocabulaire Juridique*, (Paris: PUF, 2108), p. 316.

53. Jean Ray, *Index du Code Civil*, Thèse Complémentaire Pour le Doctorat et Lettres, (Paris: Alcan, 1926), p. 46.

به نقل از: علی انصاری، تئوری حسن نیت در قراردادهای؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و نظام‌های حقوقی معاصر، (تهران: جنگل جاودانه، چ ۱، ۱۳۸۸)، ص ۷۱.

54. Gérard Cornu et Henri Capitant, *Ibid*, p. 316.

55. <https://www.dictionnaire-juridique.com/definition/mauvaise-faith.php>

56. Cour de Cassation, Com. 26 Mai 1956, Bull. Civ. III, n° 153: Action Intentée par Pure Malignité et ne Reposant Sur Aucun Intérêt Légitime.

57. Cour de Cassation, Civ. 2e, 16 Févr. 1984, n° 82-12.399, Bull; Civ. II, n° 30: "Action Intentée Sans Raison Sérieuse Plus de Vingt-Cinq ans Après Les Faits!"

58. Cour D'appel de Paris, 2 Déc. 1998, PIBD 1999. III. 96: "Défendeur Assigné Pour la Deuxième Fois en un an Pour des Motifs Similaires, Révélant la Volonté du Demandeur de Perturber L'activité d'un Concurrent".

- ماهیت آشکارا بی‌اساس دعوی اقامه‌شده، قصد اضرار را نشان می‌دهد.^{۵۹}
- در اقامه دعوی که صرفاً به منظور متوقف ساختن رقیب صورت می‌پذیرد، خواهان به‌خوبی می‌داند که محکوم به شکست است.^{۶۰}

ب) ایذا (Malice) مترادف «شرارت»، «بی‌ادبی» و به معنای «روح شریر که دوست دارد به دیگران آسیب برساند» است.^{۶۱} برای مثال، دیوان عالی فرانسه انتساب‌های مضر به آبرو را اقدام ایذایی محض و با هدف ارباب دانسته است.^{۶۲} در حقوق انگلستان نیز اقامه دعوی ایذایی با عنوان Prosecution Civil Malicious غیرمجاز شناخته شده است.^{۶۳} در تبصره ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی ایران نیز از اصطلاح «ایذاء» استفاده شده است.

ج) درخصوص اشتباه فاحش معادل تقلب. منظور از اشتباه (Erreur)، تصور باطلی است که شخص نسبت به امور یا اشیا دارد؛ مثل اشتباه در عقد، نسبت به نوع معامله و موضوع معامله و وصف شیء موضوع معامله و طرف معامله.^{۶۴} به این ترتیب، اشتباه، یک سوءتفاهم است.^{۶۵} و فاحش (Grossière) نیز معادل Lourde بوده که گاهی به عمده نیز ترجمه شده است و آن تخطی‌ای است که انسان ضعیف‌العقل و فاقد مهارت کافی هم این‌چنین تخطی را مرتکب نشود.^{۶۶}

منظور از تقلب (Dol)، «تدلیس»، «خدعه» و «اقداماتی است که موجب فریب و

59. The Tribunal Judiciaire de Paris (TGI Paris), 30 Mars 2007, D. 2007. 2370, n° 74: "Le Caractère Manifestement mal Fondé de L'action Engagée Révèle une Intention de Nuire Constitutive D'une Faute".

60. Cour D'appel d'Agen, 11 Juin 2014, n° 12/00812, AJCA 2014. 342. obs. M. Ponsard: Action Uniquement Destinée à Gêner un Concurrent, le Demandeur Sachant Pertinemment qu'elle Était Vouée à L'échec.

61. <https://www.linternaute.fr/dictionnaire/fr/definition/malice/>

62. Cour de Cassation, Civ. 2e, 8 Janv. 1959, Bull. Civ. I, n° 38: Imputations Attentatoires à L'honneur, Action par Pure Malice et Dans un But D'intimidation.

63. John Wade, "On Frivolous Litigation: A Study of Tort Liability and Procedural Sanctions", *Hofstra Law Review*, 3 (1968), p. 448.

۶۴. حسینقلی کاتبی، فرهنگ حقوق فرانسه- فارسی، (تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۱، ۱۳۶۳)، ص ۱۲۸.

Gérard Cornu et Henri Capitant, *Ibid*, p. 889.

65. <https://www.dictionnaire-juridique.com/definition/erreur.php>.

۶۶. مازو به نقل از: محمدجعفر جعفری لنگرودی، *دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت/ حقوق تعهدات عقود و ایقاعات*، ج ۱، (تهران: گنج دانش، چ ۱، ۱۳۸۸)، ص ۸۸۷.

گمراهی طرف معامله می‌شود و حق فسخ می‌آورد»^{۶۷}. همچنین به معنای «کسب رضایت شخص دیگری به واسطه اقدامات گمراه‌کننده به گونه‌ای که در صورت فقدان این اقدامات، رضایت شخص حاصل نمی‌شد» و نیز «ایراد خسارت عمدی به دیگری» است.^{۶۸} در مواد ۱۱۶، ۱۲۵۵، ۱۳۵۳، ۱۹۶۷ قانون مدنی فرانسه و ۵۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی این کشور و نیز مواد ۳-۱۲۱ L، ۸-۱۱۳ L قانون بیمه فرانسه، از این اصطلاح استفاده شده است.^{۶۹}

در آرای زیر به جهت رفتار نزدیک به تقلب یا خطای فاحش، عمل، سوءاستفاده از حق تلقی شده است:

- «تقصیر فاحش» عبارت است از طرح دعوی برای پرداخت که بدون دلیلی مبنی بر واریز نشدن مبلغی انجام شده باشد.^{۷۰}
 - تقصیر منجر به اصرار یک طرف در زیر سؤال بردن اصولی که قبلاً به وسیله یک تصمیم موقت که دارای صلاحیت قضایی بوده پذیرفته شده است.^{۷۱}
 - طرح دعوی مطالبه وجه، درحالی که خواهان آن را پیش از واگذاری دریافت کرده بود.^{۷۲}
 - درخواست تقابل سوءاستفاده‌آمیز با هدف بی‌اعتبار کردن شرکت‌های خواننده و حتی تحت فشار قرار دادن آنها جهت تلاش برای رسیدن به یک توافق سودمند.^{۷۳}
- در مقام ارزیابی و جمع‌بندی اصطلاحات پیش‌گفته می‌توان گفت: اصطلاحات به کار رفته

۶۷. حسینی کاتبی، پیشین، ص ۱۵۸.

68. Gérard Cornu et Henri Capitant, *Ibid.*, p. 796.

69. <https://www.dictionnaire-juridique.com/definition/dol.php>

70. Cour de Cassation, Civ. 1re, 22 Juin 1965, Bull. Civ. I, n° 413: "Faute Caractérisée" Consistant Dans une Action en Paiement ne Reposant sur Aucune Preuve d'une Somme qui N'était Manifestement Pas Due.

71. Cour de Cassation, Soc. 19 Oct. 1966, Bull. Civ. IV, n° 787: Faute Résultant Pour une Partie Dans la Persistance à Remettre en Question des Principes Déjà Admis par une Décision Avant Dire Droit Revêtu de L'autorité de la Chose Jugée.

72. Cour de Cassation, Civ. 2e, 7 Juill. 2005, n° 03-17.889: Action en Paiement, Alors Que le Demandeur Avait Déjà Reçu Celui-Ci Avant D'assigner.

73. Cour D'appel Paris, 14 Mars 2007, PIBD 2007. III. 401: Demande ReConventionnelle Abusive Destinée "à Discréditer les Sociétés Défenderesses, Voire à Faire Pression sur Elles Pour Tenter de Parvenir à un Arrangement Avantageux".

(سوءنیت، ایذا و اشتباه فاحش معادل تقلب) در قاعده قدیمی فوق، حاکی از آن است که سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی مبتنی بر ضابطه سوءنیت است؛ چراکه از یک سو در یکی از آثار حقوقی فرانسه در تعریف حسن نیت به این عناصر اشاره شده است^{۷۴} و از سوی دیگر، اولاً از سه اصطلاح سوءنیت، ایذا و خطای فاحش معادل تقلب یادشده، که دو مورد اول به صورت مستقیم مرتبط با انگیزه شخص است و مورد آخر (خطای فاحش معادل تقلب) نیز خطای شخص آن چنان عمده و فاحش است که از آن می توان سوءنیت فرد را برداشت نمود.

به نظر می رسد، در دادرسی مدنی ایران نیز ضابطه سوءاستفاده از حق، مرتبط با انگیزه اعمال کننده حق باشد. به این ترتیب، ضابطه تقصیر و غایت اجتماعی در دادرسی مدنی رد می شود؛ چراکه این ضوابط، عمل گرا و نتیجه گرا هستند، اما ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران محدود به قصد اضرار نیست و با این ضابطه نیز متفاوت است. برای اثبات این موضوع و مشخص شدن ضابطه سوءاستفاده از حق، می توان به مبانی زیر استناد نمود:

۱. ملاک تبصره ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی، حاکی از آن است که سوءاستفاده از حق در مواردی تحقق می یابد که اعمال حق با انگیزه غیرقانونی صورت پذیرد. در تبصره ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر شده است: «چنانچه بر دادگاه محرز شود که منظور از اقامه دعوا، تأخیر در انجام تعهد یا ایذای طرف یا غرض ورزی بوده، دادگاه مکلف است در ضمن صدور حکم یا قرار، خواهان را به تأدیة سه برابر هزینه دادرسی محکوم نماید». در این تبصره، بدون اشاره به اصطلاح سوءاستفاده از حق، اقامه دعوا با انگیزه های «تأخیر در انجام تعهد»، «ایذای طرف» یا «غرض ورزی» را مستوجب جریمه مدنی دانسته است.

واژه «منظور» و نیز اصطلاحات «تأخیر در انجام تعهد»، «ایذاء» و «غرض ورزی» جملگی در «انگیزه» اشتراک دارند و بر آن تأکید می ورزند. از سه مورد اخیر، معنای «تأخیر»

74. Gérard Cornu et Henri Capitant, *Ibid*, p. 316.

روشن است. «ایذاء» به معانی «آزردن، آزار دادن، اذیت کردن، رنج دادن»^{۷۵} و «عذاب، زحمت، جور و ستم، جفا، تصدیع، محنت»^{۷۶} به کار رفته است. همچنین «غرض‌ورزی» به مفهوم «کسی است که غرض ورزد»^{۷۷} و غرض نیز به معانی «آرزومند شدن، مقصود، خواست، قصد شخصی به زیان دیگری»^{۷۸}، «قصد، خواسته، منظور، به‌ستوه آمدن، دلتنگ و ملول شدن، هدف، نشانه»^{۷۹} به کار رفته است. با مقایسه معنای دو اصطلاح فوق، می‌توان گفت که در ایذا قصد اذیت و رنج وجود دارد، اما غرض معنای عام‌تری دارد و شامل انگیزه‌های شخصی می‌شود. این تفکیک از کلام یکی از حقوق دانان نیز قابل استنباط است. در کتاب ایشان، ایذا به معنای لغوی آن، یعنی «آزردن، آزار رساندن»^{۸۰} به کار رفته است. به اعتقاد ایشان، غرض نیز معادل Motive و به معنای علت غایی است^{۸۱} و علت غایی نیز به معنای اندیشه‌ای است که فعل یا ترک فعل برای تحقق بخشیدن آن صورت می‌گیرد و آن جنبه ذهنی دارد، نه مادی و خارجی. علت غایی همیشه جنبه «شخصی و جزئی» دارد؛ مثلاً یکی کتاب می‌خواند که سوادش زیاد شود و یکی می‌خواند که ردّ بر آن بنویسد.^{۸۲} به این ترتیب، در دادرسی مدنی، اعمال حق با انگیزه‌های شخصی یعنی انگیزه و هدف دیگری جز هدف اصلی‌ای که آن حق برای آن اعطا شده است، غرض‌ورزی خواهد بود. حقوق اعطاشده به اشخاص در دادرسی مدنی به‌منظور فراهم نمودن فرصت احقاق حق است، از این رو، استفاده از این حق با انگیزه اهداف دیگری جز این، غرض‌ورزی است.

۲. در برخی آثار حقوقی بدون ارائه تفصیل فوق، بر ضرورت انگیزه دادخواهی تأکید و گفته شده است: «انگیزه خواهان از اقامه دعوا الزاماً باید احقاق حق مورد ادعایش باشد. همچنان که نباید از حق دادخواهی و اقامه دعوا که قانون‌گذار به‌عنوان یکی از حقوق

۷۵. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، (تهران: چاپخانه سپهر، چ ۲۱، ۱۳۸۳)، ص ۲۴۰۱؛ علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۳، (تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۷۷)، ص ۳۶۸۸.

۷۶. همان، ص ۳۶۸۸.

۷۷. علی‌اکبر دهخدا، پیشین، ج ۱۱، ص ۱۶۶۵۳.

۷۸. محمد معین، پیشین، ج ۱، ص ۴۱۴.

۷۹. علی‌اکبر دهخدا، پیشین، ص ۱۶۶۵۱.

۸۰. محمدجعفر جعفری لنگرودی، پیشین، ج ۱، ص ۷۵۷.

۸۱. همان، ج ۴، ص ۲۷۲۳.

۸۲. همان، ص ۲۶۱۷.

اساسی و وسیله‌ای قانونی برای احقاق حق و جبران حقوق از دست رفته یا در معرض خطر، در اختیار مردم نهاده، سوءاستفاده کرده و آن را برای اهداف ناصواب و مقاصد غیرقانونی خویش به کار بندد»^{۸۳}. همچنین یکی دیگر از دادرسی‌دانان بر ضرورت پرهیز از انگیزه‌های شخصی و اینکه دادگاه اسیر امیال و خواسته‌های اصحاب دعوی نشود و انصاف و کارایی دادگستری در کنار هم به پیش بروند، تأکید نموده است^{۸۴}.

۳. در ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، مقرر شده است: «خوانده نیز می‌تواند خسارتی را که عمداً از طرف خواهان با علم به غیرمحقق بودن در دادرسی به او وارد شده از خواهان مطالبه نماید». طبق این ماده، اعمال حق دادخواهی خواهان، زمانی موجب مسئولیت است که خواهان، با انگیزه‌ای غیر از دادخواهی، اقامه دعوا کرده باشد. در این ماده، قصد اضرار به کار برده نشده، بلکه «علم به غیرمحقق بودن» برای مسئولیت، کافی تلقی شده است.

۴. مواد ۱۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی «منظور تبانی و تأخیر» و ماده ۱۳۹ همان قانون «منظور تأخیر» را ملاک قرار داده است، این اصطلاحات اولاً بر قصد و انگیزه شخص تأکید دارد و ثانیاً این انگیزه منحصر به قصد اضرار نیست.

۵. تمایز و تفکیک بین حق دادخواهی و حق اصلی نیز مؤید ضابطه پیش گفته است؛ چراکه ممکن است حق اقامه دعوا موجود باشد، بدون آنکه حق اصلی (خواستۀ اصلی دعوا) وجود داشته باشد^{۸۵} و از این رو، صرف اینکه خواهان در دعوی خود شکست بخورد یا اینکه خوانده محکوم شود، الزاماً موجب سوءاستفاده از حق تلقی شدن اقدام آنها نمی‌شود.

۶. گفته شده، ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی مبتنی بر مبانی‌ای از جمله

۸۳. فریدون نهرینی، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، (تهران: گنج دانش، چ ۱، ۱۳۹۸)، ص ۲۹۹؛ همچنین ر.ک. علی‌اکبر یلفانی، شرح و تفسیر قوانین دادرسی مدنی، ج ۱، (تهران: سپهر، چ ۱، ۱۳۸۰)، ص ۱۶۱.

۸۴. حسن محسنی، اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۱، ۱۳۸۹)، ص ۱۴۶.

۸۵. ناصر کاتوزیان، اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، (تهران: میزان، چ ۶، ۱۳۸۳)، ص ۱۱۸؛ ژرارد کوشه، جان لانگلد و دانیل ولبو، آیین دادرسی مدنی فرانسه، ترجمه سید احمدعلی هاشمی، (تهران: نشر دادگستر، چ ۱، ۱۳۹۱)، ص ۱۴۱-۱۴۲.

«نظم عمومی»، «اخلاق» و «هدف دادرسی» است^{۸۶}؛ این مبانی حاکی از آن است که ضابطه سوءاستفاده از حق، انگیزه غیردادخواهانه و خلاف قانون شخص است، زیرا:

- نظم عمومی قضایی حکم می‌کند که «قواعد دادرسی و صلاحیت محاکم ناظر به حسن جریان دعوی و انجام وظایف دولت در اجرای عدالت است و به همین جهت، بستگی کامل به نظم عمومی دارد. حق اقامه دعوی نیز از تجاوز افراد به هم، انتقام‌جویی و کینه‌توزی‌های خصوصی می‌کاهد ... اصول آیین دادرسی نیز ضامن حسن جریان دعوی و فصل خصومت است و قراردادهای خصوصی در برابر آن ارزش ندارد»^{۸۷}؛ به این ترتیب، نظم عمومی قضایی اقتضا دارد قوانین دادرسی در راستای هدف آن که همانا اجرای عدالت و احقاق حق است به کار برده شود و با بهره‌گیری از قانون با انگیزه‌هایی غیر از این هدف برخورد شود.
- درخصوص نقش اخلاق نیز نادیده گرفتن هر یک از ارزش‌های اخلاقی به معنای ایجاد خلل در روند عدالت است^{۸۸}؛ به این ترتیب، سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی، مغایر با اجرای عدالت و اصول اخلاقی است^{۸۹}. اخلاق نیز شخصی را که تصور می‌کند در مقام احقاق حق است، مستحق برخورد نمی‌داند.
- هدف و غایت مطلوب دادرسی حق‌گزاری و رسیدن به حقیقت است^{۹۰}؛ به این ترتیب، «احقاق حق و اجرای عدالت ... هدف اصلی ... دادرسی است»^{۹۱} و در نتیجه اعمال حق با هدفی غیر از احقاق حق، ممنوع است.

۷. در پاسخ به احتمال یادشده در بند پیشین مبنی بر اینکه «با قیاس دعوی واهی، در

۸۶. محمد بافهم و همکاران، پیشین، ص ۱۳۳-۱۵۷.

۸۷. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، (تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چ ۳، ۱۳۷۴)، ص ۱۶۹-۱۷۰ و ۱۷۳.

۸۸. مهرزاد ابدالی، فلسفه حقوق و نظریه‌های حقوقی، (تهران: مجد، چ ۲، ۱۳۸۸)، ص ۱۱۱.

۸۹. محمد بافهم و همکاران، جایگاه اخلاق به مثابه مبنایی برای ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی، منتشرشده در مجموعه مقالات همایش اخلاق حقوقی، به کوشش مهدی حسن‌زاده و ام البنین حسینی، (قم: انتشارات دانشگاه قم، چ ۱، ۱۴۰۳)، ص ۳۷۹.

۹۰. ناصر کاتوزیان، اثبات و دلیل اثبات، ج ۱، (تهران: میزان، چ ۷، ۱۳۹۰)، ص ۴۶.

۹۱. قدرت‌الله واحدی، بایسته‌های آیین دادرسی مدنی، (تهران: میزان، چ ۲، ۱۳۸۲)، ص ۲۱.

مورد سوءاستفاده از حق نیز ضابطه سوءاستفاده از حق، تقصیر است»، می‌توان گفت صرف‌نظر از اینکه از منظر نگارندگان پژوهش حاضر به‌خصوص با وجود ماده ۵۱۵، در مورد پذیرش تقصیر به‌عنوان رکن خسارت ناشی از دعوای واهی، تردید وجود دارد، حتی با چشم‌پوشی از این موضوع هم باید گفت قیاس این دو (دعوای واهی و سوءاستفاده از حق) مع‌الفارق خواهد بود؛ چراکه همان‌طور که گفته شد، در حقوق ایران سوءاستفاده از دادرسی با واهی بودن دعوا ملازمه حتمی ندارد.^{۹۲} دعوایی واهی است که یا جنبه موضوعی دعوا قابلیت تحقق نداشته باشد (و در فرض قابلیت تحقق، احتمال قوی بر عدم تحقق آن وجود داشته باشد) یا دعوا بدون دلیل باشد (یا احتمال قوی مبنی بر عدم اثبات جنبه موضوعی دعوا وجود داشته باشد) و یا جنبه موضوعی دعوا فاقد اثر قانونی باشد.^{۹۳} درحالی که دعوای همراه با سوءاستفاده از حق، به انگیزه خواهان بازمی‌گردد. ممکن است خواهان یا شکایت‌کننده از رأیی واقعاً ذی‌حق نباشد یا دلیلی نداشته باشد؛ از این رو، دعوا یا شکایت از رأی، واهی باشد و بدون داشتن حقی صرفاً تصور می‌کند که ذی‌حق است و یا تصور می‌نماید که دلیل دارد یا بعدها با انجام تحقیقات قضایی، دلیل تحصیل خواهد شد، اما انگیزه فرد از اقامه دعوا رسیدن به حقی است که به اشتباه، تصور وجود آن را داشته است؛ چنین دعوایی علی‌رغم این که واهی بوده، به لحاظ اینکه به قصد دادخواهی اقامه شده است، سوءاستفاده از حق نخواهد بود. از سوی دیگر، اگرچه معمولاً در دعوای همراه با سوءاستفاده، خواهان در اصل موضوع دعوا ذی‌حق نیست و نسبت به ذی‌حق نبودن خود، واقف و آگاه است، اما ممکن است خواهان واقعاً در ماهیت موضوع، حق داشته باشد و از این رو دعوای وی واهی نباشد اما رسیدن به آن حق برای او اهمیت نداشته باشد، بلکه هدف و انگیزه او از طرح دعوا، ضرر به دیگری باشد. در چنین موردی، گرچه خواهان واقعاً از خواننده طلبکار است و از این رو واجد حق است، اما چون هدف وی از اقامه دعوا احقاق حق نیست، انگیزه او بر این عمل سایه می‌افکند و باعث می‌شود که این عمل، سوءاستفاده از حق و عمل ممنوعی تلقی گردد، بدون اینکه دعوای وی واهی باشد. متن ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی

۹۲. احسان بهرامی و مصطفی‌السان، پیشین، ص ۵۷.

۹۳. احسان بهرامی و مصطفی‌السان، «ضوابط شناسایی دعوای واهی در حقوق ایران و انگلیس؛ مقدمه‌ای جهت صدور قرار تأمین و رد دعوا»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲، ش ۱۱۶ (۱۴۰۱)، ص ۴۸.

مدنی و تبصره آن، مبتنی بر همین تفکیک است؛ چراکه موضوع این ماده با موضوع تبصره آن یکسان نیست؛ به این صورت که متن ماده در مقام تعیین ضمانت اجرا برای جلوگیری از طرح دعاوی واهی است، اما تبصره آن در مقام تعیین ضمانت اجرا برای جلوگیری از سوءاستفاده از حق است.^{۹۴} با توجه به تفاوت این دو، نمی‌توان آنچه در مورد دعاوی واهی بیان شده است، به سوءاستفاده از حق تسری داد.

باتوجه به ادله فوق باید گفت، ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران، انگیزه نامشروع خواهان است و البته این انگیزه مانند نظریه سوءنیت یا قصد اضرار، محدود به قصد ایذا یا اضرار نیست، بلکه همان‌گونه که برخی اعلام کرده‌اند اقدامات در دادرسی نباید برای اهداف ناصواب و مقاصد غیرقانونی باشد.^{۹۵} همین که انگیزه اقدام در دادرسی از سوی خواهان، احقاق حق و از سوی خوانده، اعمال حقوق دفاعی نباشد (همانند قصد تأخیر، تباہی حتی با طرف دیگر دعوا)، سوءاستفاده از حق تحقق می‌یابد.

منحصر نبودن سوءاستفاده از حق به قصد اضرار، بلکه کفایت صرف اینکه شخص قصد دادخواهی ندارد، موجب توسعه دایره شمول سوءاستفاده از حق می‌شود؛ برای مثال، چنانچه ضابطه سوءاستفاده از حق، قصد اضرار باشد، شامل موارد ذیل نمی‌شود، اما ضابطه ارائه شده شامل این موارد نیز می‌گردد:

الف) مصداق اول مواردی است که خواهان نه قصد ایذا دارد و نه قصد ایجاد اطاله در تعهدات خود، بلکه می‌خواهد از طریق اقامه دعوا منافع نامشروعی برای خود یا دیگری کسب نماید؛ برای نمونه، زوجین برای معافیت فرزند خود از خدمت وظیفه عمومی یا دریافت وام یا تسهیلاتی چون مسکن، دعوی صوری طلاق توافقی را مطرح می‌کنند. مثال دیگر موردی است که در بخشنامه شماره ۴۱۹۱۱/۱ مورخ ۲۴ آبان ۱۳۶۲ رئیس محترم وقت قوه قضاییه منعکس شده است: «به طوری که از وزارت مسکن و شهرسازی اطلاع می‌دهند برخی از دادگاه‌ها در اجرای تبصره ذیل ماده ۶ قانون اراضی شهری ناظر به سه تبصره

۹۴. محمد بافهم و همکاران، «سوءاستفاده از حق اقامه دعوا و حق شکایت از آراء در حقوق فرانسه و ایران»، حقوق تطبیقی، ش ۱۹ (۱۴۰۲)، ص ۳۸.

۹۵. فریدون نهرینی، پیشین، ص ۲۹۹.

الحاقی به ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرای قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری در مورد واگذاری اراضی با اسناد عادی و قولنامه به صرف اقرار طرفین، به تأیید معامله یا صحت قولنامه رأی می‌دهند؛ حال آنکه منظور از ارجاع امر به دادگاه رسیدگی به صحت یا سقم معامله بوده تا از اجرای مفاد اسناد عادی صورتی جلوگیری شود؛ بنابراین لازم است دادگاه‌ها قبل از هر نوع تصمیمی تحقیقاتی را که برای کشف واقع ضرورت دارد انجام دهند تا از تأیید اسناد صورتی و امور غیرواقعی جلوگیری شود...»^{۹۶}.

ب) مورد دوم نیز در شرایطی است که یک طرف قصد ایذای طرف دیگر دعوا را ندارد، بلکه هر دو طرف دعوا با یکدیگر تبنانی کرده‌اند تا با دعوایی صورتی، حقوق شخص دیگر را که طرف دعوا قرار نگرفته است تزییع کنند. برای مثال، مالک زمین در خارج از کشور است و دو طرف زمین‌خوار علیه یکدیگر دعوای تصرف عدوانی مطرح می‌کنند تا یکی از آنها محکوم شود. محکوم‌له، حکم رفع تصرف را قرینه‌ای برای سابقه تصرف خود محسوب و از آن سوءاستفاده می‌کند؛ برای مثال رأی دادگاه را در مقابل مشتریان زمین، مستمسکی برای مشروعیت و سبق تصرفات خود تلقی کرده یا اینکه با ارائه به اداره ثبت، آن را قرینه بر مشروعیت تصرفات خود محسوب کند. نمونه دیگر این دعوای در اعتراض ثالث اجرایی ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی دیده می‌شود: محکوم‌علیه شخص ثالث را تحریک می‌کند که خود را مالک مال توقیف‌شده اعلام نماید و به توقیف اعتراض کند.

۳.۲. جمع‌بندی حقوق فرانسه؛ نظریه ترکیبی

همان‌گونه که بیان شد، در آرای دیوان عالی فرانسه در خصوص سوءاستفاده از حق، از ضوابط مختلفی پیروی شده است. برخی حقوق‌دانان فرانسه، از ضابطه تقصیر و حسن‌نیت عدول کرده، معتقدند که «تمی‌توان از ضابطه واحدی پیروی نمود و در این ارزیابی، عوامل زیادی در نظر گرفته شده است؛ به همین جهت جای تعجب ندارد که برای تحقق سوءاستفاده از حق، در یک مورد سوءنیت لازم دانسته شده است و در مورد دیگر، به سهل‌انگاری^{۹۷} بسنده می‌شود»^{۹۸}. در ادامه به برخی از این عوامل اشاره می‌شود:

۹۶. حمیدرضا حاجی‌زاده، مصوبات و تصمیمات قوه قضاییه و شورای عالی ثبت، (تهران: ققنوس، چ ۱، ۱۳۸۴)، ص ۸۴۵.

97. Négligence

98. Loïc Cadet et Philippe leTourneau, *Ibid*, n° 128, 129 et 146.

الف) از یک جهت برحسب اینکه سوءاستفاده از چه حقی صورت می‌پذیرد، ملاک متفاوتی برای سوءاستفاده از حق معرفی شده است؛ برای نمونه، ضابطه سوءاستفاده در اقامه دعوا یا دفاعیه یا شکایت از رأی یا اقدام اجرای رأی با یکدیگر متفاوت است.^{۹۹} بر همین اساس گفته شده است، دیوان عالی فرانسه سوءاستفاده از حق در مورد درخواست را با سهولت بیشتری نسبت به سوءاستفاده از دفاع احراز می‌نماید؛ زیرا احتیاط بیشتری از طرف خواهان که دعوا را مطرح می‌کند نسبت به کسی که صرفاً در برابر یک دعوا دفاع می‌کند، لازم است.^{۱۰۰}

ب) همچنین قاضی در ارزیابی مسئولیت، باید میزان خسارتی را که اقدام خواهان می‌تواند برای خوانده ایجاد کند، در نظر بگیرد. بدون شک نباید ضرر با تقصیر خلط شود، اما «هر کسی که از یک راهکار قانونی که احتمال دارد این اقدام به آبرو یا یکی از منافع اساسی طرف مقابل خود آسیب برساند، استفاده کند، لازم است که احتیاط ویژه‌ای داشته باشد»^{۱۰۱}.

باتوجه به وجود جنبه‌های مختلف موضوع، دیوان عالی فرانسه صرف ردّ دعوا^{۱۰۲} یا ورود خسارت^{۱۰۳} را الزاماً موجب تحقق سوء استفاده از حق ندانسته، بلکه برای احراز سوءاستفاده از حق، وجود شرایط خاص را لازم دانسته و تصریح کرده که تعیین این شرایط به‌عده قضات است.^{۱۰۴}

99. Loïc Cadet et Philippe leTourneau, *Ibid*, n° 128.

100. Loïc Cadet et Philippe leTourneau, *Ibid*, n° 151.

101. Henri Mazeaud, Léon Mazeaud et André Tunc, *Ibid*, 591; Loïc Cadet et Philippe leTourneau, *Ibid*, n°147.

101. Loïc Cadet et Philippe leTourneau, *Ibid*, n°147.

102. Cour de Cassation, 2e, 24 Juin 1987, n° 84-15.173, Bull. Civ. II, n° 137. – Civ. Ire, 10 Juill. 2014, n° 13-21.049: “Motifs Impropres à Caractériser une Faute de X... de Nature à Révéler un Abus de Droit Dans L'exercice D'une Voie de Recours”.

103. Cour de Cassation, Soc. 1er Déc. 1950, Bull. Civ. III, n° 910. – Com. 11 Févr. 1963, Bull. Civ. III, n° 92. Civ. 2e, 8 oct. 1970, D. 1971. Somm. 31.

104. Cour de Cassation, Civ. Ire, 20 Mars 2013, n° 11-27.285, Bull. Civ. I, n° 42: Circonstances Particulières Spécifiées, en L'occurrence une “Véritable Machination” Développée par L'arrêt. Cour de Cassation, Civ. 2e, 5 Févr. 2015, n° 14-11.169.

نتیجه

با اینکه در قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه به صورت صریح، ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی پیش‌بینی شده است، اما در این قانون، معیار و ضابطه‌ای از سوءاستفاده از حق، بیان نشده است. در آرای مراجع قضایی فرانسه تأکید شده است صرف «ورود خسارت» یا «ردّ درخواست» الزاماً موجب تحقق سوءاستفاده از حق نیست و از سوی دیگر، صرف «صدور حکم به نفع شخصی» الزاماً مانع از تحقق سوءاستفاده از حق نیست. تحلیل آرای قضایی به خصوص دیوان عالی فرانسه، حاکی از آن است که قاعده‌ای سنتی و قدیمی، اعمال حق با «سوءنیت»، «ایذاء» و «خطای فاحش معادل تقلب» را ضابطه سوءاستفاده از حق می‌داند که هر سه ضابطه پیش‌گفته تحت عنوان «حسن‌نیت» قابل جمع است. با این حال، تحلیل آرای دیگری از دیوان عالی فرانسه حاکی از آن است که این مرجع به قاعده معروف و سنتی فوق در همه موارد وفادار نبوده، در موارد متعددی به ضابطه تقصیر تمایل دارد؛ به جهت همین تفاوت آراء، حقوق‌دانان فرانسه معتقدند سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی از معیار واحدی پیروی نمی‌کند، بلکه ضابطه سوءاستفاده از حق بر اساس «تعهدات اصحاب دعوا»، «میزان اهتمام لازم توسط آنها (با توجه به شرایط)»، «میزان خسارت»، «روش‌های مورد استفاده» و «نوع حق مورد سوءاستفاده»، بین دو ضابطه حسن‌نیت و تقصیر، متغیر است.

در حقوق ایران، با توجه به تبصره ماده ۱۰۹ و مواد ۱۳۳، ۱۳۹ و ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی و لحاظ تمایز حق دادخواهی با حق اصلی، همچنین توجه به مبانی سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی (هدف دادرسی، نظم عمومی، نقش اخلاق) می‌توان دریافت که ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران، استفاده از حق با انگیزه‌ای غیر از دادخواهی و دفاع است. این معیار با هیچ‌یک از ضوابط سه‌گانه فوق به صورت کامل مطابقت ندارد؛ چراکه در ضابطه قصد اضرار، اعمال حق به قصد اضرار است و شامل سایر انگیزه‌ها از جمله مواردی که هر دو طرف دعوا بایکدیگر تبانی دارند، نمی‌شود؛ از سوی دیگر، تفاوت آن با ضابطه غایت اجتماعی حق، آن است که در غایت اجتماعی حق، فقط انگیزه ملاک نیست، بلکه حتی اگر استفاده‌کننده از حق به این موضوع که عمل وی خارج از غایت

اجتماعی از حق است آگاه نباشد، بازهم عمل وی سوءاستفاده تلقی می‌شود، در واقع، معیار غایت اجتماعی حق، معیاری عینی و نتیجه‌گرا است، نه ذهنی؛ حال آنکه معیاری که در دادرسی مدنی بیان شد، ذهنی است؛ به این معنا که انگیزهٔ شخص بایستی صرفاً احقاق حق یا دفاع باشد.

اگرچه قانون ایران بدون ذکر اصطلاح «سوءاستفاده از حق»، مصادیقی از آن را بیان کرده است، اما از این جهت که این مصادیق در مواد پراکنده بیان شده و ممکن است از آن برداشت مختلفی ارائه گردد، برای رفع هرگونه شبهه و به لحاظ اهمیت موضوع، پیشنهاد می‌شود که ازسوی قانون‌گذار ایران در مواد ابتدایی قانون دادرسی مدنی (که ضرورت دارد در آن اصول حقوقی و دادرسی بیان شود) در قالب یک ماده، حق دادخواهی خواهان و خوانده (در درخواست، دفاع و...) تعریف شده، حدود و ثغور آن بیان گردد و ذیل آن، ضابطه‌ای روشن و واضح از سوءاستفاده از حق ارائه شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

– کتابها

۱. ابدالی، مهرزاد (۱۳۸۸). *فلسفه حقوق و نظریه‌های حقوقی*، تهران: مجد.
۲. انصاری، علی (۱۳۸۸). *تئوری حسن‌نیت در قراردادهای مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و نظام‌های حقوقی معاصر*، تهران: جنگل جاودانه.
۳. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۷۷). *سوءاستفاده از حق؛ مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی*، تهران: مؤسسه اطلاعات.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی*، تهران: گنج دانش.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). *دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت/ حقوق تعهدات عقود و ایقاعات*، تهران: گنج دانش.
۶. حاجی‌زاده، حمیدرضا (۱۳۸۴). *مصوبات و تصمیمات قوه قضاییه و شورای عالی ثبت*، تهران: ققنوس.
۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
۸. ریپر، ژرژ (۱۳۹۳). *قاعده اخلاقی در تعهدات مدنی*، ترجمه حسنعلی درودیان، بر منهج عدل. تهران: دانشگاه تهران.
۹. کاتبی، حسینقلی (۱۳۶۳). *فرهنگ حقوق فرانسه – فارسی*، تهران: گنج دانش.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). *حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها*، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی*، تهران: میزان.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *اثبات و دلیل اثبات*، تهران: میزان.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). *مسئولیت مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد*، تهران: دانشگاه تهران.

۱۴. کوشه، ژرراد، لانگلد، جان و ولبو، دانیل (۱۳۹۱). *آیین دادرسی مدنی فرانسه*، ترجمه سید احمدعلی هاشمی، تهران: دادگستر.
۱۵. محسنی، حسن (۱۳۸۹). *اداره جریان دادرسی مدنی برپایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۶. معین، محمد (۱۳۸۳). *فرهنگ فارسی*، تهران: چاپخانه سپهر.
۱۷. نهرینی، فریدون (۱۳۹۸). *آیین دادرسی مدنی*، تهران: گنج دانش.
۱۸. واحدی، قدرت‌الله (۱۳۸۲). *بایسته‌های آیین دادرسی مدنی*، تهران: میزان.
۱۹. یلفانی، علی‌اکبر (۱۳۸۰). *شرح و تفسیر قوانین دادرسی مدنی*، تهران: سپهر.

– مقالات

۲۰. بافهم، محمد؛ فهیمی، عزیزاله و حسن‌زاده، مهدی (۱۴۰۲). سوءاستفاده از حق اقامه دعوا و حق شکایت از آراء در حقوق فرانسه و ایران. *حقوق تطبیقی*، ۱۰ (۱)، ۲۹-۵۲.
Doi: 10.22096/law.2023.528366.1877
۲۱. بافهم، محمد؛ فهیمی، عزیزاله و حسن‌زاده، مهدی (۱۴۰۲). سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران و فرانسه. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱۱۹ (۱)، ۱۳۳-۱۵۷.
۲۲. بافهم، محمد؛ فهیمی، عزیزاله و حسن‌زاده، مهدی (۱۴۰۲). ضمانت اجرای ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران و فرانسه. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱۲۱ (۱)، ۴۸-۱.
۲۳. بافهم، محمد؛ فهیمی، عزیزاله و حسن‌زاده، مهدی (۱۴۰۳). جایگاه اخلاق به‌مثابه مبنایی برای ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی. منتشرشده در *مجموعه مقالات همایش اخلاق حقوقی*، به‌کوشش مهدی حسن‌زاده و ام‌البین حسینی، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۳۶۹-۳۸۱.
۲۴. بهرامی، احسان و السان، مصطفی (۱۴۰۱). ضوابط شناسایی دعوی‌های واهی در حقوق ایران و انگلیس؛ مقدمه‌ای جهت صدور قرار تأمین و ردّ دعوا. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۶ (۲)، ۵۲-۲۹.

۲۵. بهرامی، احسان و السان، مصطفی (۱۴۰۲). جایگاه تقصیر و سوءنیت در مطالبه خسارات ناشی از دعوی واهی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا. *حقوقی دادگستری*، ۸۷ (۳)، ۴۹-۷۴.
Doi: 10.22106/jlj.2023.1983303.5119

۲۶. حاجی نوری، غلامرضا (۱۳۹۴). بازگشت اعتدال به نظریه سوء استفاده از حق. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۱ (۲)، ۱۴۳-۱۶۶.

۲۷. شهیدی، مهدی (۱۳۸۰). تجاوز از حق. *تحقیقات حقوقی*، ۳۳ و ۳۴ (۱)، ۳۱-۶۳.

۲۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۵۸). سوءاستفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق. *دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ۲۱ (۰)، ۱۰۳-۱۱۵.

ب) منابع انگلیسی

- Books

29. Cadiet, Loïc et leTourneau, Philippe (2015). *Abus de Droit*, Paris: Dalloz.
30. Capitant, Henri (1982). *Sur L'abus des Droits*, Paris: RTD Civ.
31. Colin, Ambroise et Capitan, Henri (1953). *Traité de Droit Civil*, Tome 2, Paris: Dalloz.
32. Cornu, Gérard et Capitant, Henri (2018). *Vocabulaire Juridique*, Paris: PUF.
33. Cornu, Gérard et Foyer, Jean (1996). *Procédure Civile*, Paris: PUF.
34. Dabin, Jean (1952). *Le Droit Subjectif*, Paris: Dalloz.
35. Ghestin, Jacques et Goubeaux, Gilles (1993). *Traité de Droit Civil – Introduction Générale*, Paris: L.G.D.J.
36. Josserand, Louis (1939). *De L'esprit des Droits et de Leur Relativité: Théorie Dite de L'abus des Droits*, Paris: Dalloz.
37. Laurent, François (1874). *Principes de Droit Civil Français*, Paris: Bruylant-Christophe.
38. Levy, E. (1926). *La Vision Socialiste du Droit*, Paris: Libraire-Editer.

39. Marty, Gabriel Raynaud, Pierre (1962). *Droit Civil*, Paris: Siery.
40. Mazeaud, Henri (1977). *Leçons de Droit Civil*, Paris: Montchrestien.
41. Mazeaud, Henri, Mazeaud, Léon et Tunc, André (1965), *Traité Théorique et Pratique de la Responsabilité Civile*, (Paris: Montchrestien.
42. Ray, Jean (1926). *Index du Code Civil*, thèse Complémentaire Pour le Doctorat et Lettres, Paris: Alcan.
43. Savatier, René (1916). *Des Effets et de la Sanction du Devoir Moral en Droit Positif Français et Devant la Jurisprudence*, Thèse Pour le Doctorat en Sciences Juridiques, Poitiers Université.
44. Solus, Henry et Perrot, Roger (1961). *Droit Judiciaire Prive*, Tome I, Paris: Sirey.

- Articles

45. Wade, John (1968). On Frivolous Litigation: A Study of Tort Liability and Procedural Sanctions. *Hofstra Law Review*, 14(3), P 433-497.
46. Saleilles, R (1905). De L'abus de Droit, Rapport Présenté à la Première Sous-Commission de la Commission de Revision du Code Civil. *Bulletin de la Société D'études Législatifs*, 14 (4).

- Cour de Cassation

47. ____, Chambre Civile (Civ), 1er Août 1950, S. 1951. 1. 100.
48. ____, Civ, 1re, 10 Juill. 2014, n°13-21.049.
49. ____, Civ, 1re, 22 Juin 1965, Bull. Civ. I, n°413.
50. ____, Civ, 2 Fév. 1956, Bull. Cass., 1956. II, P. 65.
51. ____, Civ, 28 mars 1960, Gai. Pal., 1960. 2. 13.
52. ____, Civ, 2e, 16 Févr. 1984, n°82-12.399, Bull. Civ. II, n°30.
53. ____, Civ, 2e, 19 Juin 1980, n°78-15.488, Bull. Civ. II, n°144
54. ____, Civ, 2e, 24 Juin 1987, n°84-15.173, Bull. Civ. II, n°137.



- 55.____, Civ, 1re, 14 Oct. 1964, Bull. Civ. I, n°448.
- 56.____, Civ, 1re, 20 Mars 2013, n°11-27.285, Bull. Civ. I, n°42:
- 57.____, Civ, 1re, 25 Févr. 1986, n°84-14.208, Bull. Civ. I, n°38; JCP 1987. II. 20776, note Remery.
- 58.____, Civ, 1re, 5 Déc. 2006, n°05-21.557, PIBD 2007. III. 95.
- 59.____, Civ, 1re, 7 Nov. 1995, n°92-10.053, Bull. Civ. I, n°388.
- 60.____, Civ, 2e, 11 Mars 1987, n°85-16.815, Bull. Civ. II, n°66.
- 61.____, Civ, 2e, 24 Juin 1987, n°84-15.173, Bull. Civ. II, n°137.
- 62.____, Civ, 2e, 5 Févr. 2015, n°14-11.169
- 63.____, Civ, 3e, 16 Janv. 1991, n°89-13.236, Bull. Civ. III, n°26; D. 1991. Somm. 323, obs. Aubert.
- 64.____, Civ, 10 Nov. 1937, Gaz. Pal., 1937. 2. 926.
- 65.____, Civ, 2e, 4 Mai 2000, n°95-21.567, JCP 2000. II. 10356, note Garé.
- 66.____, Civ, 2e, 7 Juill. 2005, n°03-17.889.
- 67.____, Civ, 2e, 8 Janv. 1959, Bull. Civ. I, n°38.
- 68.____, Civ, 3 déc. 1940, Gaz. Pal., 1941. 1.306 (2 Arrêt).
- 69.____, Civ, 6 Nov. 1946, D. 1947. 49. Rapp. Cass.
- 70.____, Civ, 1re, 10 Juill. 2014, n°13-21.049:
- 71.____, Civ, 2e, 8 Oct. 1970, D. 1971. Somm. 31
- 72.____, Civ, 3e, 19 Févr. 2003, n°01-13.429, RJDA 2003, n°558).
- 73.____, Civ, 3e, 8 Oct. 2008, n°07-14.396, Bull. Civ. III, n°148.
- 74.____, Civ, 6 Nov. 1946, D. 1947. 49.
- 75.____, Chambre Commerciale (Com), 13 Mai 1958, Bull. Cass., 1958. III, p. 153.
- 76.____, Com, 10 Févr. 1965, Bull. Civ. III, n°108.
- 77.____, Com, 14 Déc. 1903, S. 1905. 1. 223; Req., 23.

- 78.____, Com, 15 Mai 2007, n°06-11.583, PIBD 2007. III. 473.
- 79.____, Com, 20 Mai 2014, n°13-14.933:
- 80.____, Com, 21 Avril 1959, Bull. Cass., 1959. III, p. 162.
- 81.____, Com, 26 Mai 1956, Bull. civ. III, n°153.
- 82.____, Com, 29 Mai 1967, JCP 1967. II. 15205, note Jack-Mayer.
- 83.____, Com, 11 Févr. 1963, Bull. civ. III, n°92.
- 84.____, Chambre des Requetes (Req), 14 Déc. 1903, S. 1905. 1. 223.
- 85.____Req, 21 Juin 1926, S. 1926. 1. 294.
- 86.____Req, 23 Janv. 1912, S. 1912. 1. 316.
- 87.____, Chambre Sociale (Soc), 23 Mai 1950, Gaz. Pal., 1950. 2. 133.
- 88.____, Soc, 19 Oct. 1966, Bull. Civ. IV, n°787.
- 89.____, Soc, 1er déc. 1950, Bull. civ. III, n°910.
- 90.____, Chambre criminelle (Crim), 19 déc. 1930, Gaz. Pal, 1931. 1. 103.
- 91.____, Crim, 18 Fév. 1932, Motifs, Gaz. Pal., 1932. 1. 629.
- 92.____, Crim, 23 1958, D. 1958. 725.
- 93.Cour D'appel, Agen, 11 Juin 2014, n°12/00812, AJCA 2014. 342. obs.
- 94.Cour D'appel, Lyon-3ème Chambre A-19 Janvier 2023-n°20/00579.
- 95.Cour D'appel, Paris, 14 Mars 2007, PIBD 2007. III.
- 96.Cour D'appel, Paris, 2 déc. 1998, PIBD 1999. III. 96.
- 97.Cour D'appel, Toulouse, 7 févr. 1995, Juris-Data, n°040114.
- 98.Tribunal Judiciaire de Paris (TGI Paris), 30 Mars 2007, D. 2007. 2370, n°74.